

تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان

دکتر مهدی کاظمی

استادیار مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان

غلامرضا زمانیان

مربی اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

نقش توزیع درآمدها در ایجاد اختلاف سطح زندگی و شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله موضوعات مورد توافق بسیاری از علما و صاحب‌نظران علوم اجتماعی است. بر همین اساس توصیه شده است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نسبت به اثرات توزیعی راهبردهای اقتصادی متخذه و چالش‌های اقتصادی - اجتماعی ناشی از سیاست‌های اقتصادی توجه و تأکید ویژه داشته باشند.

مقاله‌ی حاضر در همین راستا و به منظور بررسی و تحلیل چگونگی توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ تهیه و تنظیم گردیده است. در این پژوهش توزیع درآمد با استفاده از شاخص ضریب جینی، با دو روش تفکیک‌پذیر و همچنین بر روی تمام داده‌ها محاسبه گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ضریب نابرابری با روش تفکیک‌پذیر طی دوره‌ی مورد مطالعه در مناطق شهری استان به تدریج از ۰/۳۵ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۴۴ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین با مقایسه‌ی ضریب جینی بین دهک اول و دهک دهم خانوارهای شهری مشخص شد که طی این دوره نابرابری بین گروه‌های پر درآمد (دهک دهم) بیشتر از خانوارهای کم‌درآمد (دهک اول) بوده است، بطوری که مقدار این ضریب برای دهک اول، از ۰/۱۷ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۱۲ در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته در حالی که ضریب فوق طی این دوره برای دهک دهم از ۰/۵ به ۰/۲۶ افزایش پیدا کرده است. از طرف دیگر مقایسه ضریب جینی بین فقرا نشان داده است که نابرابری بین فقرا بطور متوسط بیشتر از نابرابری بین خانوارهای دهک اول است و در مجموع در جامعه‌ی مورد مطالعه، فقر محدود به دهک اول نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فقر، توزیع درآمد، دهک‌های درآمدی، ضریب جینی، نابرابری.

مقدمه

اشتقاق برای بهتر زیستن و حرکت به سوی فرداهای روشن و داشتن سرزمینی سرشار از رفاه، از آرمان‌های بزرگ همه ملت‌ها بوده است و مردم همواره دستیابی به این آرمان و ایده‌آل خود را در تلاش‌های سیاستمداران، دولت‌مردان و اندیشمندان جامعه خویش پی‌گیری و تصور می‌نمایند. بطور کلی از اوایل قرن نوزدهم میلادی تفاوت میان نحوه‌ی زندگی مردم مناطق

مختلف جهان شناخته شده و بروز نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و عواقب آنها چه در درون جوامع و چه در میان جوامع مختلف، اندیشمندان و نظریه‌پردازان را به آرایه‌ی فرضیاتی پیرامون علل و پیدایش نابرابری و فقر اقتصادی - اجتماعی وا داشته است. با شروع صنعتی شدن به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده‌ی فقر همواره به‌نحوی از انحاء افکار جوامع بشری، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را بیشتر به خود مشغول کرده است. این جوامع با توجه به سطح قرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع و... در صدد بهبود شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند، لکن در بسیاری موارد خصوصاً در کشورهای جهان سومی به دلایل مختلف، اثرات توزیعی این راهبردها، گروه‌کثیری از مردم را برخوردار ناساخت و منجر به بروز شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و گسترش پدیده فقر گردید. در دهه‌ی ۱۹۸۰ وضعیت فقرا همچنان بدتر شد، به‌گونه‌ای که بانک جهانی، این دهه را دهه‌ی فراموش شده فقرا^۱ نامید. دهه ۱۹۹۰ چاره‌ای نبود جز تغییر راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد به راهبردهای فقرزدایی، لذا این دهه، دهه‌ی جنگ با فقر^۲ نامیده شد (جانسن^۳، ۱۹۹۳: ۲۵).

اهمیت موضوع فقر و اختلاف‌های درآمدی به‌اندازه‌ای است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۳ تصمیم گرفت که سال ۱۹۹۶ را به نام سال بین‌المللی ریشه‌کنی فقر و تنگدستی نام‌گذاری کند. در بیانیه‌ی «رفاه عالم انسانی» به تاریخ ۲۲ جون ۱۹۹۵ آمده، پاره‌ای از فرقه‌های مذهبی بر آن بوده‌اند که فقر از خصایص احترازناپذیر و طبیعی زندگی دنیوی است و فقط در عالم بعد می‌توان از قید آن رهایی یافت. در مقابل مسالک اجتماعی متعددی چون سوسیالیسم، فقر را پدیده‌ای اجتماعی و حاصل توزیع غیرعادلانه ثروت و مواهب زندگی و نتیجه‌ی مستقیم استثمار برخی از طبقات اجتماعی توسط برخی دیگر می‌دانند. امروزه به‌طور قطع می‌توان گفت اختلاف توزیع درآمد، اختلاف سطح زندگی را در جامعه به‌وجود می‌آورد و به فقر مفهوم می‌بخشد. بر این اساس دو مورد از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عدالت اجتماعی در هر جامعه عبارتند از این‌که: اولاً چند درصد جمعیت چه درصدی از درآمدها را عاید خود می‌کنند و ثانیاً شکاف درآمدی میان پایین‌ترین گروه و طبقه‌ی پردرآمد چقدر است. به‌عنوان مثال در کشورهایایی مثل دانمارک و سوئد، متوسط درآمد خانوارهای ثروتمند (۲۰ درصد دارای بالاترین درآمدها) ۵ تا ۶ برابر متوسط درآمد خانوارهای فقیر (۲۰ درصد دارای کمترین درآمدها) است و برعکس در کشورهایایی مثل برزیل این نسبت در حدود ۲۰ است.

1- Lost decade for the poor
2- The fight Against poverty
3- Johansen

بنابراین اطلاع و آگاهی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نسبت به اثرات توزیعی راهبردها خود می‌تواند نقش مؤثری در این خصوص داشته باشد. این مقاله نیز با هدف آرایه‌ی اطلاعاتی در این خصوص تدوین گردیده و به بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

طرح مسأله

در کشور ما همانند سایر کشورهای در حال توسعه که از دهه‌ی ۵۰ به‌نوعی راهبردهای توسعه را تجربه کرده بود، به‌ویژه با اتخاذ راهبرد رشد و برنامه‌های سیاست تعدیل، معضل فقر و شکاف‌های اقتصادی- اجتماعی بیشتر نمایان گردید. پر واضح است که نمود چنین معضلاتی به‌ویژه در استان‌های محروم که دارای مشکلات ساختاری و موروثی خاص خود می‌باشند بیشتر است و این امر نه‌تنها باعث بروز مشکلات روزافزون و پیچیده‌تر برای مردم می‌گردد بلکه به نظر می‌رسد موجبات افزایش نگرانی مسئولین را نیز فراهم آورده است.

طبق بررسی‌های به‌عمل آمده در سال ۱۳۷۰ توسط مرکز آمار ایران، ۱۰ درصد از پردرآمدترین گروه‌های جمعیتی کشور، ۲۷/۳ برابر ۱۰ درصد از کم‌درآمدترین گروه‌های جمعیتی درآمد داشته‌اند و این رقم با توجه به نرخ بسیار بالای تورم تا سال‌های اخیر احتمالاً بیشتر نیز شده است (رشیدی، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

قراین و شواهد موجود نشان می‌دهد که اختلاف‌ها در سطح جامعه صرفاً به درآمد اقشار و گروه‌های مختلف محدود نمی‌شود بلکه دامنه‌ی آن به بروز شکاف‌هایی در امکانات اجتماعی نیز کشیده شده است، که این در واقع به معنی فاصله گرفتن از اهداف عالی‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران و یقیناً مغایر با خواست دولت‌مردان به‌ویژه در استان‌های محروم کشور از جمله سیستان و بلوچستان است.

بر این اساس و با توجه به بررسی اجمالی شرایط موجود این سؤال اساسی مطرح می‌شود که توزیع درآمدها و امکانات اجتماعی یا به عبارت دیگر وضعیت شکاف اقتصادی - اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از مناطق محروم و مورد توجه دولت چگونه است؟

هدف تحقیق حاضر، یافتن پاسخی مناسب و مستدل برای این سؤال و پرسش‌های دیگری از جمله موارد ذیل است :

- روند توزیع درآمدها در مناطق شهری طی دوره‌ی مورد مطالعه چه تغییراتی داشته است؟
- اختلاف درآمدها در درون دهک‌ها چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه‌ی موضوع

ارایه‌ی اطلاعات آماری در مورد توزیع درآمد در کشورهای رو به توسعه بطور نسبی مربوط به تاریخ اخیر است. در سال ۱۹۴۵ سیمون کوزنتس^۱ برای اولین بار نظریه‌ای آرایه داد که طبق آن نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش می‌گذارد و سپس همتراز می‌شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می‌یابد. او همچنین نشان داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته نابرابرتر است (اتکینسون^۲، ۱۹۷۰: ۲۴۷).

در سال ۱۹۶۰ این فرضیه که نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته بارزتر است، مجدداً از سوی ایروینگ کراویس^۳ مطرح گردید و همبستگی مثبت ولو پیچیده‌ای را بین درجه‌ی نابرابری و سطح درآمد واقعی سرانه مشاهده کرد. مانند کوزنتس او هم به این نتیجه رسید که در کشورهای توسعه نیافته نسبت به کشورهای صنعتی پراکندگی درآمد در بخش زیرین جدول توزیع کمتر، و در بخش فوقانی آن بیشتر می‌باشد. بنابراین علت نابرابری بیشتری که در کشورهای توسعه نیافته مشاهده می‌گردد، می‌بایست در همین بخش فوقانی جدول توزیع جستجو شود. طبق نظر کراویس اختلاف بین‌المللی در درجات نابرابری را می‌توان به اختلاف در توزیع خصوصیات ویژه مردم که بر عملکرد آنها در عرصه اقتصادی مؤثر است؛ به موانع عرفی و قانونی تحرک اجتماعی، به عوامل ساختاری که منشأ کارهایی با درآمد نابرابر و شدیداً تبعیض‌آمیز می‌باشد و به سازمان‌بندی سیاسی اجتماعی نسبت داد (چامپرنون^۴، ۱۹۷۴: ۷۹۰).

بعدها هاری اوشیما^۵ بر این واقعیت تأکید ورزید که نابرابری در کشورهای بالنسبه کم توسعه یافته لزوماً چشمگیرتر نیست و همه چیز منوط به مرحله‌ی توسعه‌ی اقتصادی آنهاست؛ یعنی بدان بستگی دارد که آن کشورها: توسعه نیافته، کمتر توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و یا کاملاً توسعه یافته باشند.

در سال ۱۹۷۴ بانک جهانی قضیه را بر اساس داده‌های ۶۶ کشور - که بر حسب درجه‌ی نابرابری درآمد و درآمد سرانه طبقه‌بندی شده بودند - مورد آزمون قرار داد. بررسی به عمل آمده توسط مونتک اهلوالیا^۶ این نظر را تأیید می‌کند که نابرابری نسبی در اغلب کشورهای توسعه نیافته بطور قابل ملاحظه‌ای بزرگتر از کشورهای توسعه یافته است.

اما اهلوالیا نظر ابزار شده توسط کوزنتس در ۱۹۶۳ مبنی بر اینکه این پراکندگی عمومی بیشتر اساساً ناشی از نابرابری بیشتر در میان گروه پردرآمد و گروه میان‌درآمد است را مورد

1 - Kuznets.S

2 - Atkinson

3 - Irving Kravis

4 - Champernowne

5 - Harry Oshima

6 - Ahluwalia

تردید قرار می‌دهد. همچنین از بررسی نمونه‌ی بزرگتری از کشورها چنین برمی‌آید که در بسیاری از ممالک توسعه‌نیافته نابرابری زیاد، ناشی از سهم کوچکی از درآمد است که به هر دو گروه میان درآمد و گروه پایین‌ترین درآمد تعلق می‌گیرد (باریرا^۱، ۱۹۸۲: ۶۵). اگرچه اکثریت نویسندگان وجود منحنی کوزنتس را تأیید می‌کنند اما با وجود این عقاید متفاوت دیگری نیز بیان شده است. بدین ترتیب گوستا و پاپانک^۲ نتوانسته است هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری میان سطح توسعه اقتصادی و نابرابری درآمدی پیدا کند.

ویلیام کلاین^۳ در بررسی اقتصادی خود از مطالعاتی که در مورد این مسأله به عمل آورده است چیزی را قبول می‌کند که خود آن را «معتدل‌ترین نظر» می‌نامد و آن عبارت است از اینکه در دوران توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدی محتملاً بعد از مرحله‌ی بسیار ابتدایی اقتصاد معیشتی افزایش می‌یابد، یعنی زمانی که برای برخی از گروه‌های جامعه مازادی به وجود می‌آید که به خود اختصاص می‌دهند. به نظر وی این ادعا منطقی‌تر به نظر می‌رسد که سیاست‌های خاص در ترکیب با ساختار اجتماعی به ارث رسیده، درآمد را در برخی از کشورهای کم توسعه یافته بشدت نابرابر می‌سازند در حالی که نوع دیگر سیاست و ساختار آن در کشورهای دیگر متوازن‌تر می‌نمایند، نسبت به این ادعا که اساس نظری غیر قابل تردیدی جهت توجیه بدتر شدن توزیع درآمد در جریان توسعه اقتصادی وجود ندارد. با این حال چه هیچ یک از نویسندگان یاد شده ادعا نمی‌کنند که طی دوران توسعه اقتصادی نابرابری لزوماً افزایش می‌یابد، مع‌هذا این حقیقت وجود دارد که تقریباً تمامی مطالعات در حالی که از زوایای متفاوت با مسأله برخورد می‌کنند و اطلاعات متفاوتی را مورد استفاده قرار می‌دهند، اما با وجود این منحنی کوزنتس را محرز دانسته و برآنند که مشاهدات تجربی هنوز نیاز به توضیح دارند (خدا/دکاشی، ۱۳۷۹: ۸۰).

در رابطه با محاسبه‌ی ضریب جینی در اقتصاد ایران نیز، مطالعات فراوانی در سطح ملی، استانی و برای مناطق شهری و روستایی صورت گرفته است که می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره نمود: بختیاری و همکاران (۱۳۸۰: ۸۳-۵۱) در مقاله‌ای به مطالعه‌ی وضعیت توزیع درآمد در استان اصفهان طی سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۷۲) پرداختند.

نامبردگان با استفاده از معیار ضریب جینی و شاخص بی‌نظمی تایل^۴ به بررسی سیاست‌های تعدیل اقتصادی و اثر آن بر این شاخص‌ها پرداخته و نتیجه می‌گیرند که انواع هزینه‌های مصرفی طی دوره‌ی مورد مطالعه افزایش یافته است. آنان وجود شرایط تورمی ناشی از سیاست‌های اجرایی را یکی از عوامل اصلی این موضوع دانسته و ادعا می‌کنند شرایط تورمی موجب شکاف طبقاتی شده است. همچنین از آنجایی که میزان و میدان اثر شرایط تورمی

1 -Barrera

2 -Gastav Papanek

3 -William Cline

4- Theil Index

در مناطق شهری استان اصفهان گسترده‌تر می‌باشد، افزایش هزینه‌ها در این مناطق عوارض بیشتری به همراه داشته است. در نهایت نتیجه می‌گیرند، با وجود نظام حمایتی حاکم در حالی که هزینه‌های خوراکی به شکل نسبتاً متوازنی توزیع شده، اما توزیع هزینه‌های غیرخوراکی بادوام، کاملاً نامتوازن است.

صمدی (۱۳۸۱: ۵۲-۳۳) طی مقاله‌ای به شناسایی مهمترین منابع افزایش دهنده‌ی نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته و از معیار ضریب جینی از طریق عوامل درآمدی پیشنهادی یائو^۱ و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ از مناطق شهری و روستایی استفاده کرده و نتیجه گرفته است که نابرابری توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بهبود پیدا کرده ولی دلایل آن در مناطق شهری و روستایی متفاوت بوده است. همچنین عوامل افزایش دهنده و کاهش دهنده در مناطق شهری و روستایی یکسان نبوده و تحت تأثیر زمان قرار نگرفته است. در خاتمه محقق پیشنهاد نموده است که در سیاست‌های فقرزدایی به عوامل کاهش دهنده میزان نابرابری به تفکیک مناطق شهری و روستایی توجه ویژه شود.

همانی ابیانه (۱۳۷۶: ۱۱۲-۸۳) به بررسی وضعیت درآمد در استان تهران طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۳ بر اساس شاخص ضریب جینی پرداخته و نتیجه می‌گیرد توزیع درآمد بر اساس این معیار در مناطق شهری استان تهران بهبود یافته و بطور نسبی از توزیع درآمد در کل کشور بهتر است و طبقه متوسط جامعه (۴۰ درصد میانی جمعیت)، طبقه‌ی غالب جمعیت شهری استان تهران را تشکیل می‌دهد و نحوه‌ی توزیع درآمد تحت تأثیر اوضاع اقتصادی کشور بوده و در وضعیتی که تورم افزایش یافته، توزیع درآمد بشدت نامتوازن شده و از طرف دیگر نتیجه می‌گیرد ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد جامعه شهری استان تهران طبقه‌ی غالب جامعه بوده و فاصله‌ی طبقاتی بین مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ فاحش نبوده و توزیع هزینه در بین دهک‌های مختلف، مشابه یکدیگر است و هزینه‌ی مسکن سهم زیادی از کل هزینه خانوارهای شهری و روستایی استان تهران را به خود اختصاص داده و طبقه متوسط و پردرآمد استان همگن‌تر از طبقه کم‌درآمد آن می‌باشد.

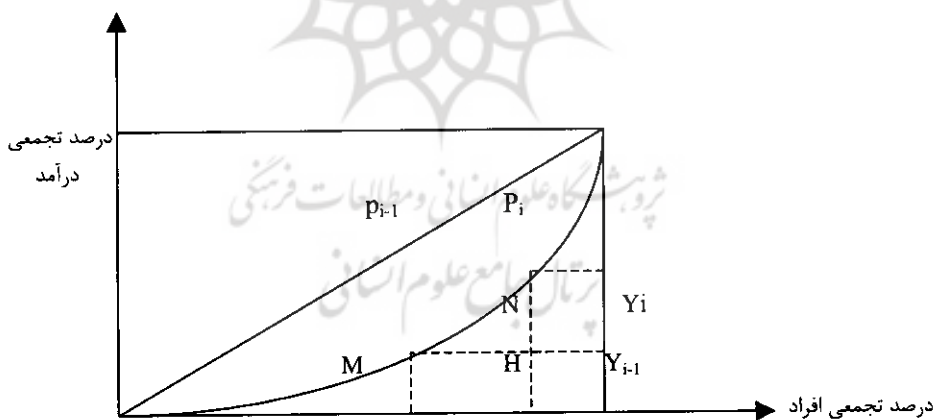
تحیری (۱۳۷۶: ۴۵-۲۰) با استفاده از روش درونی یا عمومی (بر اساس توابع چگالی خطی و درجه‌ی دوم و توابع توزیع چندجمله‌ای درجه‌ی سوم و چهارم) درون‌یابی خطی، روش اچ‌ورث، روش مورد استفاده مرکز آمار ایران و روش آکوانی، به محاسبه‌ی ضریب جینی کل و تجزیه‌ی آن به برابری درون‌گروهی و بین‌گروهی به تفکیک کل جامعه، جامعه شهری و جامعه روستایی طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۷۴ پرداخته و نتایج متفاوتی را به دست آورده است.

مراحل انجام تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور بررسی چگونگی توزیع درآمد در سطح استان سیستان و بلوچستان در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰، محققین پس از تنظیم چارچوب نظری پژوهش، مبنی بر ادبیات و پیشینه موضوع تحقیق، اقدام به گردآوری داده‌های لازم نمودند. داده‌های آماری تحقیق، مستخرج از پرسشنامه‌های استاندارد (هزینه خانوار) است که همه‌ساله توسط مرکز آمار ایران در سطح کشور توزیع و تکمیل می‌گردد. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، با استفاده از روش‌ها و مدل‌های اقتصادی و آماری داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

روش‌ها و مدل‌ها

روش مورد استفاده برای بررسی نابرابری درآمد بین خانوارها، شاخص ضریب جینی است این شاخص از منحنی لورنز^۱ استخراج می‌شود که در نمودار (۱) نشان داده شده است. مقدار این ضریب براساس سطح بین خط ۴۵۰ و منحنی لورنز تعیین می‌گردد. هرچه منحنی لورنز از خط ۴۵۰ دورتر باشد بیانگر نابرابری بیشتر است. ضریب جینی در زمینه‌ی اندازه‌گیری توزیع درآمد یکی از رایج‌ترین معیارها است که در این پژوهش نیز برای بررسی وضعیت نابرابری درآمد بین خانوارها مورد استفاده قرار گرفته است. نمودار شماره (۱) چگونگی محاسبه ضریب جینی را چنین نشان می‌دهد.



همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، H بیانگر سطح منحنی لورنز و A فضای بین منحنی و خط قطر است $A=0.5-H$ فضای H را می‌توان به صورت تقریبی به ذوزنقه‌ای تقسیم کرد که یکی از این ذوزنقه‌ها $(P_{i-1}MNP_i)$ است ارتفاع این ذوزنقه تفاوت بین P_{i-1} و P_i است بطوری‌که p_i درصد تجمعی افراد $i-1$ است و در واقع این تفاضل با $F1$ برابر است با فراوانی

نسبی افراد طبقه i ، قاعده کوچک آن Y_{i-1} (درصد تجمعی درآمد تا طبقه $i-1$) و Y_1 قاعده‌ی بزرگ آن (درصد تجمعی درآمد تا طبقه i) است، مساحت این ذوزنقه برابر با نصف حاصل ضرب مجموع قاعده در ارتفاع. یعنی $M_i = f_i(Y_{i-1} + Y_i)/2$ به همین ترتیب سطح زیر منحنی لورنز به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

$$H = \sum_{i=1}^l H_i = \sum f_i(Y_{i-1} + Y_i)/2$$

در رابطه‌ی اخیر، t عبارت است از تعداد گروه‌های درآمدی و مساحت ناحیه A به صورت زیر تعیین می‌گردد.

$$A = [1 - \sum f_i(Y_{i-1} + Y_i)]/2$$

طبق تعریف، ضریب جینی عبارت است از نسبت مساحت ناحیه A به ناحیه $A+H$ یعنی:

$$G = \frac{A}{A + H}$$

با جایگذاری تعداد A و H در فرمول فوق مشخص می‌شود که ضریب جینی برابر است با $G=2A$ و به عبارت دیگر

$$G = 1 - \sum f_i(Y_{i-1} - Y_i)$$

دامنه‌ی تغییرات G بین صفر و یک است که در هنگام برابری کامل $G=0$ و در هنگام نابرابر کامل $G=1$ است (Aronson-Lamberso, 1993: 1225). در این مقاله به منظور ارزیابی توزیع درآمد از ضریب جینی استفاده گردیده که این ضریب به دو روش زیر قابل محاسبه است:

الف: ضریب جینی اعمال شده بر تمامی مشاهدات در این روش درآمد دو به دوی افراد با یکدیگر مقایسه می‌شود و محاسبه ضریب جینی بر اساس فرمول:

$$G = \frac{2}{n^2 \bar{y}} \sum_{i=2}^n \sum_{j=2}^n |y_i - y_j|$$

یا به صورت دیگر

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2 \bar{y}} (y_1 + 2y_2 + \dots + ny_n)$$

که در آن Y_1 در آمد ثروتمندترین شخص و Y_2 درآمد ثروتمندترین بعدی است و الی آخر که برای تمام مشاهدات قابل محاسبه است (لیارد و والترز، ۱۹۸۲: ۵۹).

ب: ضریب جینی به روش تفکیک پذیر

در این روش کل جامعه آماری مورد بررسی را به ده دهک درآمدی تقسیم^۱ می‌کنیم به ترتیبی که در هر دهک در آمدی معادل ۱۰ درصد از جمعیت قرار داد. ضریب جینی درون هر دهک (GW_i) را بطور جداگانه به دست می‌آوریم و سپس ضریب جینی بین دهک‌ها GB را محاسبه می‌کنیم و با استفاده از ترکیب وزنی جمعیت و در آمد W_i، ضریب جینی کل به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$G = GB + \sum_{i=1}^n W_i GW_i$$

که GB ضریب جینی بین گروه‌ها (یا دهک‌های درآمدی) و GW_i ضریب جینی درون گروهی و W_i ترکیبی از وزن درآمدی و جمعیتی است، استفاده گردیده است (خدادادکاشی، ۱۳۷۹: ۶۴). در این پژوهش شاخص جینی با هر دو روش فوق محاسبه شده است. همچنین محاسبات (با هر دو روش) بر روی داده‌های خام صورت گرفته است.

جامعه و نمونه آماری

در این تحقیق جامعه‌ی مورد نظر شامل خانوارهای شهری استان سیستان و بلوچستان، طی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰ می‌باشد. ترکیب نمونه نیز به شرح جدول ۱ است. البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد داده‌های این پژوهش از مرکز آمار ایران اخذ گردیده و محققین دخالت و دخل و تصرفی در نمونه‌گیری یا گزینش نمونه‌ها نداشته و به روش‌های مورد استفاده در مرکز یاد شده استناد نموده‌اند.

جدول ۱: نمونه‌های تحقیق

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
حجم نمونه	۱۸۰	۱۴۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

پس از بحث نظری پیرامون پدیده‌ی توزیع درآمد اینک گزارش تفصیلی از توزیع درآمد، در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان ارائه می‌گردد.

توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، مقدار ضریب جینی طی دوره‌ی مورد مطالعه همواره بالاتر از ۳۵٪ بوده است و علاوه بر این ضرایب جینی در هر دو روش

۱- چون افراد معمولاً درآمد خود را به درستی اظهار نمی‌دارند به جای درآمد از هزینه که معمولاً انحراف کنترل دارد استفاده شده است.

محاسباتی به یکدیگر نزدیک می‌باشند در این دوره میزان نابرابر روند فزاینده داشته و طی سال‌های ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ با شدت افزایش یافته بطوری که مقدار نابرابری بر اساس ضریب جینی تفکیک‌پذیر از ۰/۳۵۱۰ در سال ۷۶ به ۰/۴۴۳۲ در سال ۸۰ فزونی یافته است. همچنین در روش دوم محاسبه‌ی ضریب جینی این افزایش تأیید شده است و بطور متوسط سالانه میزان نابرابری ۵٪ رشد نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضریب جینی تفکیک‌پذیر و اعمال شده روی داده‌های خام در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۷۶)*

شاخص	سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
ضریب جینی تفکیک‌پذیر		۰/۳۵۱۰	۰/۳۷۵۴	۰/۴۰۷۴	۰/۴۴۳۲	۰/۴۴۳۲
ضریب جینی اعمال شده بر روی داده‌های خام		۰/۳۵۰۶	۰/۳۷۷۳	۰/۴۳۵۹	۰/۴۷۱۵	۰/۴۷۰۵

* محاسبات گروه تحقیق

بررسی روند توزیع درآمد در گروه‌های عمده هزینه‌ای در مناطق شهری استان با معلوم بودن تعداد خانوار موجود در هر گروه هزینه‌ای و متوسط خالص خوراکی و غیرخوراکی هر گروه می‌توان اطلاعات را دهک‌بندی کرد یعنی جمع خانوارهای نمونه را تقسیم بر ده کنیم تا سهم هر دهک از خانوارها معلوم شود سپس مشخص می‌شود که تعداد خانوارهای چند گروه تشکیل یک دهک را می‌دهند. در مرحله‌ی بعد هزینه‌ی کل هر دهک از ضرب کردن تعداد خانوار هر گروه در متوسط هزینه‌ی خالص آن گروه و جمع کردن آنها تا رسیدن به تعداد خانوار هر دهک محاسبه می‌شود. در جدول شماره‌ی ۳ سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد، سهم ۴۰٪ متوسط و ۲۰٪ پردرآمد از کل هزینه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۳: روند سهم گروه‌های عمده‌ی هزینه‌ای در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان*

شاخص	سهم گروه‌های عمده‌ی هزینه‌ای استان سیستان و بلوچستان		
	سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد	سهم ۴۰٪ خانوارهای متوسط	سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد
سال	درصد	درصد	درصد
۱۳۷۶	۱۸/۶	۳۹/۶	۴۲
۱۳۷۷	۱۶/۳	۴۰/۷	۴۳
۱۳۷۸	۱۵/۶	۳۷/۵	۴۶/۹
۱۳۷۹	۱۴	۳۶/۳	۴۹/۷
۱۳۸۰	۱۴/۶	۳۵/۵	۴۹/۹

* محاسبات گروه تحقیق

در محاسبه‌ی دهک‌ها، از متوسط هزینه‌ی خالص هر گروه هزینه‌ای استفاده شده است. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌شود، در مناطق شهری استان طی دوره‌ی مورد بررسی، سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد همواره روند نزولی را طی کرده و از ۱۸/۶ درصد در سال ۷۶ به ۱۴/۶ درصد در سال ۸۰ کاهش یافته است از طرف دیگر سهم ۴۰ درصد خانوارهای متوسط جامعه اگر چه نوسان‌هایی داشته است اما از ۳۹/۶٪ در سال ۱۳۷۶ به ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. طی این مدت سهم ۴۰ درصد درآمدهای پایین کم شده است در مقابل سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد سیری صعودی داشته است. سهم طبقه‌ی متوسط دارای نوسان بوده اما در مجموع سهم این گروه نیز، به‌طور متوسط اندکی کاهش یافته است.

بنابراین بر اساس نتایج حاصل از نمونه‌گیری انجام شده می‌توان انتظار داشت که طبقه‌ی خانوارهای پردرآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان عمده‌ترین گروه را تشکیل می‌دهد و توزیع درآمد از روندی مناسب برخوردار نیست، بطوری که بیش از ۸۵ درصد هزینه‌های جامعه مربوط به ۶۰ درصد خانوارها می‌باشد و چون اقشار مرفه بیشتر هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند می‌توان گفت توزیع نسبتاً نامناسب است.

روند شاخص فاصله طبقاتی و سهم دهک‌های هزینه‌ای مناطق شهری استان

سهم دهک‌های هزینه‌ای، وضعیت توزیع درآمد در جامعه را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد سطر اول جدول شماره‌ی ۴ نشان‌دهنده فاصله طبقاتی بین پردرآمدترین اقشار جامعه‌ی شهری می‌باشد در سال ۱۳۷۶ ده درصد خانوارهای پردرآمد شهری استان، ۹/۶۲ برابر ده درصد خانوارهای کم‌درآمد مصرف داشته‌اند. این رقم طی یک روند صعودی در سال ۱۳۷۹ به ۱۶/۵ برابر و سپس با اندکی کاهش در سال ۱۳۸۰ به ۱۵/۰۴ برابر رسیده است که بیانگر گسترش فاصله‌ی طبقاتی طی این دوره در جامعه‌ی مورد مطالعه است.

روند سهم دهک‌های مختلف نیز حاوی نکات ارزشمندی است. طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ روند سهم دهک اول از کل هزینه کمی کاهش را نشان می‌دهد اما این روند برای دهک دوم از ثبات نسبی برخوردار است در حالی که در همین دوره سهم دهک سوم اندکی کاهش یافته است، سهم دهک چهارم کاهش بیشتری را نشان می‌دهد. در مجموع چنین استنباط می‌شود که روند کاهش سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد استان از کل هزینه‌ها طی سال‌های مورد مطالعه عمدتاً ناشی از کاهش سهم دهک اول و چهارم می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که خانوارهای دهک اول هزینه‌ای استان که جزء کم‌درآمدترین افراد جامعه هستند طی دوره‌های مورد مطالعه وضعیت درآمدی‌شان با گذشت زمان نسبتاً بدتر شده است اما سهم دهک نهم و دهم استان در مناطق شهری، روندی صعودی را طی کرده است به‌گونه‌ای که روند سهم دهک نهم از ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. اما شدیدترین

روند افزایش در سهم دهک دهم مشاهده می‌شود بطوری که از ۲۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش نشان می‌دهد.

جدول ۴: سهم دهک‌های مختلف از کل هزینه مناطق شهری در استان سیستان و بلوچستان*

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	نسبت ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم درآمدترین (فاصله طبقاتی)
۱۵/۰۴	۱۶/۵	۱۴	۱۳/۸۴	۹/۶۲	
۲/۲	۲	۲/۱	۱/۹	۲/۷	سهم دهک اول (کم درآمدترین)
۳/۳	۳/۱	۳/۵	۲/۵	۴/۲	سهم دهک دوم
۴/۱	۴	۴/۵	۴/۸	۵/۳	سهم دهک سوم
۵	۴/۹	۵/۵	۶/۲	۶/۲	سهم دهک چهارم
۶/۲	۶/۳	۶/۶	۷/۷	۷/۶	سهم دهک پنجم
۷/۴	۷/۹	۸/۲	۹/۱	۸/۹	سهم دهک ششم
۹/۵	۹/۷	۱۰/۲	۱۰/۸	۱۰/۶	سهم دهک هفتم
۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۵	۱۲/۸	۱۲/۵	سهم دهک هشتم
۱۷	۱۶/۶	۱۷/۳	۱۷/۱	۱۶	سهم دهک نهم
۳۳/۱	۳۳	۲۹/۴	۲۸/۱	۲۶	سهم دهک دهم (پردرآمدترین)

* محاسبات گروه تحقیق

بررسی توزیع درآمد بین دهک‌ها و درون‌دهک‌ها در مناطق شهری استان

چنانچه ضریب جینی به صورت غیرتفکیکی محاسبه شود عددی به دست خواهد آمد که بر اندازه‌ی نابرابری در جامعه دلالت دارد ولی راجع به اینکه آیا نابرابری در طبقات بالا بیشتر می‌باشد یا در طبقات درآمدی پایین، پاسخی ارائه نمی‌دهد. به منظور کسب اطلاعات جزئی‌تر نسبت به نحوه‌ی توزیع درآمد، بهتر است ضریب جینی تفکیکی را محاسبه نماییم. برای این کار لازم است که اطلاعاتی راجع به نابرابری در درون دهک‌های درآمدی مختلف داشته باشیم.

الف: نابرابری در درون دهک اول و دهم خانوارهای شهری

در جدول شماره‌ی ۵ اندازه‌ی نابرابری بین خانوارهای دهک اول و دهک دهم خانوارهای شهری بطور جداگانه نمایش داده شده است.

جدول ۵: ضریب جینی بین دهک اول و دهک دهم خانوارهای شهری

استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۶-۱۳۸۰)*

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	سال
۰/۱۲۴	۰/۱۴	۰/۱۵۹	۰/۱۶۱۱	۰/۱۷۱	شاخص
۰/۲۶۶	۰/۲۳	۰/۲۰۶	۰/۱۴۹	۰/۱۵۱	ضریب جینی دهک اول
					ضریب جینی دهک دهم

* محاسبات گروه تحقیق

همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰ ضریب جینی برای دهک اول همواره کمتر از ۰/۲ بوده است اما برای دهک دهم از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰، این رقم بیشتر از ۰/۲ می‌باشد. همچنین نابرابری در بین خانوارهای کم درآمد در ابتدا بیشتر بوده و به مرور کاهش یافته است اما میزان نابرابری بین خانوارهای پردرآمد به تدریج افزایش یافته بطوری‌که ضریب جینی در دهک دهم از ۰/۱۵۱ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۲۲۶ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. با مقایسه دهک‌های مندرج در جدول ۵ در می‌یابیم طی دوره مورد بررسی نابرابری بین گروه‌های پردرآمد بیشتر از نابرابری بین خانوارهای کم‌درآمد بوده است.

نابرابر در درون سایر دهک‌های درآمدی

در بخش قبل نابرابری بین خانوارهای دهک اول و دهک دهم درآمدی بطور جداگانه محاسبه و بررسی شد، از آنجا که نابرابری کل نه تنها متأثر از نابرابری خانوارهای دهک اول و دهم می‌باشد بلکه نابرابری درون سایر دهک‌ها نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد، لذا مقایسه ضریب جینی دهک اول و دهک دهم با ضریب جینی سایر دهک‌های درآمدی و مقایسه‌ی نابرابری در دهک اول و دهم با سایر دهک‌ها بیانگر اطلاعات قابل توجهی است. نتایج این مقایسه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: ضریب جینی در درون دهک‌های درآمدی مختلف جامعه شهری استان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶*

مناطق	سال	D1	D2	D3	D4	D5	D6	D7	D8	D9	D10
شهرهای	۱۳۷۶	۰/۱۷۱	۰/۰۹۶	۰/۰۲۶	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۰/۰۲	۰/۰۲۸	۰/۰۳۶	۰/۰۴۶	۰/۱۵۱
استان	۱۳۷۷	۰/۱۶۱	۰/۰۷۹	۰/۰۴۱	۰/۰۳۹	۰/۰۲۶	۰/۰۳۲	۰/۰۲۶	۰/۰۱۷	۰/۰۳۶	۰/۱۴۹
سیستان و	۱۳۷۸	۰/۱۵۹	۰/۰۴۵	۰/۰۵۳	۰/۰۴۱	۰/۰۲۸	۰/۰۳۴	۰/۰۴۱	۰/۰۴۵	۰/۰۵۱	۰/۲۰۶
بلوچستان	۱۳۷۹	۰/۱۱۴	۰/۰۴۹	۰/۰۳۴	۰/۰۴۶	۰/۰۴۱	۰/۰۳۳	۰/۰۳۹	۰/۰۴۹	۰/۰۴۹	۰/۲۳
	۱۳۸۰	۰/۱۲۲	۰/۰۳۴	۰/۰۳۸	۰/۰۴۳	۰/۰۳۲	۰/۰۳۶	۰/۰۳۸	۰/۰۴۸	۰/۰۴۷	۰/۲۶۴

* محاسبات گروه تحقیق

همچنان‌که در جدول شماره‌ی ۶ ملاحظه می‌شود ضریب جینی دهک‌های درآمدی دوم تا نهم طی سال‌های مورد مطالعه همواره کوچکتر از ۰/۰۹۷ می‌باشد درحالی‌که ضریب جینی دهک‌های درآمدی اول و دهم بزرگتر از ۰/۱۴ می‌باشد که بیانگر نابرابری شدیدتر بین خانوارهای واقع در دهک اول و دهم نسبت به سایر دهک‌ها می‌باشد علت این تفاوت ناشی از این است که دهک اول طیف وسیعی از خانوارهای فقیر را در برمی‌گیرد بطوری‌که شدت فقر آنها بسیار متفاوت از هم می‌باشد و از طرف دیگر در دهک دهم طیف وسیعی از خانوارهای

مرفه یا پردرآمدترین خانوارها جای می‌گیرند. در واقع دهک اول خانوارهایی را در بر می‌گیرد که حد بالای مخارج (درآمد) آنها مشخص ولی حد پایینی باز است در حالی که برای دهک دهم حد پایینی درآمد خانوارهای معین و حد بالایی آن باز می‌باشد. سایر دهک‌های درآمدی در برگیرنده‌ی خانوارهایی هستند که مخارج آنها بسیار نزدیک به هم می‌باشد و حد بالا و پایین هر یک از این دهک‌ها معین است و به همین لحاظ ضریب جینی دهک‌های درآمدی دوم تا نهم بسیار کوچکتر از ضریب جینی دهک‌های اول و دوم می‌باشد.

بررسی نابرابری بین دهک‌های درآمدی مختلف

قبلاً اشاره شد که ضریب جینی کل را نمی‌توان به‌صورت تفکیک‌پذیر محاسبه نمود. برای این کار لازم است که ابتدا خانوارها در گروه‌های مختلف مثلاً ده دهک درآمدی تفکیک شوند و سپس ضریب جینی در درون هر دهک و بعد تعیین ضریب جینی بین دهک‌ها را محاسبه تا در نهایت به ضریب جینی کل دست یافت تا این قسمت مطالعه ضریب جینی به صورت تفکیک شده و به‌صورت کلی محاسبه و گزارش شد همچنین نابرابری بین خانوارهای دهک اول تا دهم با محاسبه D_1 تا D_{10} برای مناطق شهری اندازه‌گیری شد. در ادامه نابرابری بین ده دهک درآمدی محاسبه و در جدول (۷) اطلاعات مربوط به ضریب جینی بین ده دهک درآمدی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ درج شده است.

جدول ۷: مقایسه ضریب جینی بین دهک‌های خانوارهای شهری در استان طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶*

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
شاخص					
ضریب جینی بین دهک‌ها در شهر	۰/۳۴۲۷	۰/۳۶۸۷	۰/۳۹۷۷	۰/۴۳۱۶	۰/۴۲۹۷

* محاسبات گروه تحقیق

در جدول شماره (۷) ضریب جینی بین ده دهک درآمدی در سال ۱۳۸۰ مناطق شهری معادل ۰/۴۲۹۷ نشان داده شده است، در حالی که اطلاعات مندرج در جدول شماره (۲) حاکی از این است که ضریب جینی کل (بر اساس روش تفکیک‌پذیر) برای سال ۱۳۸۰ در مناطق شهری معادل ۰/۴۴۲۲ می‌باشد. بر این اساس ملاحظه می‌شود که از کل نابرابری بین خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۰ (۰/۴۴۲۲)، معادل ۰/۴۲۹۷ آن مربوط به نابرابری بین ده دهک درآمدی و معادل ۰/۰۱۲ آن مربوط به نابرابری در درون دهک‌ها می‌باشد. مبانی نظری نیز مؤید این یافته‌هاست. زیرا همان‌گونه که قبلاً اشاره شد به دلیل اینکه هر یک از دهک‌های

درآمدی در یک فاصله بسته و محدود از مخارج قرار دارند (بجز دهک اول و دهم)، پراکندگی مخارج در درون دهک‌ها ناچیز می‌باشد و تأثیر کمی بر نابرابری کل و ضریب جینی کل دارند.

نابرابری در بین خانوارهای فقیر

آمار تیاسن اولین دانشمندی است که مقوله‌ی محرومیت نسبی را در شاخص فقر لحاظ نمود. البته کوشش نامبرده توسط سایر دانشمندان تکمیل شد. در شاخص وی نابرابری بین فقرا نیز لحاظ می‌شود. بر این اساس در ادامه‌ی بحث نابرابری، مناسب دیده شد که نابرابری بین خانوارهای فقیر را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.

بدین منظور ابتدا خانوارهای فقیر را از خانوارهای غیر فقیر جدا کرده و سپس با توجه به مخارج آنها ضریب جینی بین خانوارهای فقیر محاسبه گردید. در جدول (۸) و (۹) ضریب جینی بین خانوارهای فقیر بر اساس دو خط فقر ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج درج شده است. ارقام ضریب جینی بیانگر آن است که در جوامع شهری استان خانوارهای فقیر طیف وسیعی را به لحاظ مخارج درآمد تشکیل می‌دهند.

جدول ۸: مقایسه ضریب جینی بین فقرا در خانوارهای شهری استان بر اساس خط فقر ۵۰ درصد میانگین هزینه در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶*

شاخص	سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	متوسط
ضریب جینی بین فقرا در شهر		۰/۱۲۱	۰/۱۹۲	۰/۱۲۸	۰/۱۲۹	۰/۱۶۴	۰/۱۴۶

* محاسبات گروه تحقیق

جدول ۹: مقایسه ضریب جینی بین فقرا در خانوارهای شهری استان بر اساس خط فقر ۶۶ درصد میانگین هزینه در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۶*

شاخص	سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	متوسط
ضریب جینی بین فقرا در شهر		۰/۱۴۴	۰/۲۰۴	۰/۱۵۷	۰/۱۸۸	۰/۱۶۴	۰/۱۷۱

* محاسبات گروه تحقیق

با مقایسه‌ی ضریب جینی بین خانوارهای فقیر و ضریب جینی خانوارهای دهک اول مشخص می‌گردد نابرابری بین فقرا بطور متوسط بیشتر از نابرابری بین خانوارهای دهک اول است. به‌عنوان مثال ضریب جینی بین فقرا در مناطق شهری در سال ۱۳۷۷ برابر ۰/۱۹۲ می‌باشد

در حالی که ضریب جینی بین خانوارهای دهک اول شهری در همان سال معادل ۰/۱۶۱ می‌باشد در کل می‌توان نتیجه گرفت خانوارهای فقیر محدود به دهک اول نمی‌باشد بلکه بخشی از خانوارهای فقیر در دهک‌های دوم و بالاتر قرار دارند و با مقایسه ارقام جداول شماره (۸) و (۹) مشخص می‌گردد در طی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰ بطور متوسط نابرابری بین خانوارهای فقیر شهری به تدریج افزایش یافته است گرچه میزان افزایش بسیار ملایم بوده است.

نتایج و پیشنهادها

الف - نتایج

بر اساس معیار ضریب جینی تفکیک‌پذیر، نابرابری در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های (۱۳۷۹-۱۳۷۶) افزایش یافته است. ضریب جینی اعمال شده بر روی تمام داده‌ها روند فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد ضمن اینکه توزیع نابرابر درآمد از سال ۱۳۷۷ به بعد تشدید شده است.

طی همین دوره سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد جامعه‌ی مورد مطالعه افزایش نشان می‌دهد و از سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد و متوسط نیز کاسته شده است که این حاکی از تشدید توزیع نامناسب درآمد طی سال‌های مورد بررسی است. در همین دوره سهم گروه‌های عمده هزینه در مناطق شهری استان بطور نامناسب تغییر یافته، به طوری که سهم پردرآمدها افزایش و سهم گروه‌های کم‌درآمد و متوسط کاهش داشته است.

فاصله‌ی طبقاتی بین پردرآمدترین گروه‌های جامعه‌ی شهری طی سال‌های مورد بررسی افزایش داشته است. همچنین مقایسه دهک‌های درآمدی در مناطق شهری استان بیانگر این موضوع است که سهم دهک‌های اول و دوم در همین دوره تحلیل رفته و در مقابل سهم دهک نهم و دهک دهم از کل هزینه‌ها در مناطق شهری بشدت افزایش یافته است که این امر موجب تشدید فاصله‌ی طبقاتی در مناطق شهری استان شده است و کم‌درآمدترین افراد جامعه در این دوره وضعیت درآمدی شان به مرور بدتر شده است.

از آنجایی که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های خدماتی، بازرگانی و صنعتی استان در اختیار جامعه‌ی شهری است، به نظر می‌رسد نوسانات اقتصادی طی این سال‌ها بخصوص سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۰ به نفع پردرآمدترین اقشار جامعه بوده است. احتمالاً این اقشار با به‌کارگیری سرمایه‌های خود و یا تسهیلات دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های پرسود و کم‌خطر و بعضاً ناسالم اقتصادی از جمله خرید و فروش امتیازات دولت، خرید و فروش خودرو، ساخت و ساز واحدهای مسکونی یا خرید و فروش املاک و مستغلات به‌ویژه با توجه به رونق بخش ساختمان و نرخ بالای تورم در این بخش، درآمدهای هنگفتی کسب نموده‌اند.

نتایج به دست آمده حاکی از این است که بهترین وضعیت توزیع درآمدی مربوط به سال ۱۳۷۶ و بدترین وضعیت توزیع درآمد مربوط به سال ۱۳۷۹ می باشد که به نظر می رسد پدیده‌ی خشکسالی استان در همین سنوات، نقش مؤثری در وقوع این وضعیت داشته است. با مقایسه‌ی ضریب جینی بین دهک اول و دهک دهم خانوارهای شهری در استان مشخص شد که در طی دوره‌ی مورد بررسی نابرابری بین گروه‌های پردرآمد (دهک دهم)، بیشتر از خانوارهای کم درآمد (دهک اول) بوده است.

همچنین مقایسه ضریب جینی بین فقرا در مناطق شهری استان نشان می دهد که اولاً نابرابری بین فقرا بطور متوسط بیشتر از نابرابری بین خانوارهای دهک اول است و در کل خانوارهای فقیر محدود به دهک اول نمی باشد و بخشی از آنها در دهک‌های دوم و بالاتر نیز قرار دارند و نابرابری بین خانوارهای فقیر شهری به مرور افزایش یافته است.

پیشنهادها

- ۱- هدفمند کردن یارانه‌ها به گونه‌ای که سهم هر چه بیشتری به خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی تعلق گیرد.
- ۲- بنا به فرمایش امام صادق (ع) که می فرمایند: «خداوند عزوجل، برای فقرا به مقدار کفایتشان در اموال اغنیا قرار داده است». با توجه به نقش قابل توجه نظام مالیاتی در توزیع عادلانه‌ی ثروت در جامعه، بازنگری در سیستم مالیاتی و مکانیسم‌های اجرایی آن ضروری به نظر می رسد. یک سیستم مالیاتی کارا باید به گونه‌ای باشد که دهک‌های درآمدی بالای جامعه سهم مالیات واقعی خود را پرداخت نمایند و از فرار مالیاتی این اقشار به نحو مقتضی جلوگیری به عمل آورد. چرا که بعید است با برقراری نظام مالیاتی عادلانه، امکان وجود شکاف‌های درآمدی عمیق پدیده آمده و فقرا به مرور فقیرتر و اغنیا، غنی تر شوند.
- ۳- ترویج فرهنگ دینی و پرداخت زکات و سایر حقوق شرعی، که می تواند در تعدیل ثروت جامعه سهم بسزایی داشته باشد، از دیگر اقداماتی است که می توان به طرق مختلف از جمله با تشکیل NGOهای تحت نظارت علما و بزرگان محلی پی گیری نمود در روایتی امام هفتم (ع) می فرمایند: «والی زکات را از اغنیا می گیرد، و به اندازه‌ای که بدون ناراحتی و تنگنا، زندگی فقرا را تأمین کند، به آنها می پردازد. و اگر زندگی شان از این راه تأمین نشود، والی وظیفه دارد، از بودجه‌های دیگر خود به قدری که آنها را در راحتی و آسایش قرار دهد بپردازد تا جایی که بی نیاز شوند» (آیت...صدر، ۱۳۵۷: ۸۲).
- ۴- از آنجایی که برخورداری از شغل مناسب، مطمئن و حقوق مکفی یکی از عوامل مؤثر در بهبود بنیه‌ی مالی اقشار کم درآمد و به عبارتی دهک‌های پایین درآمدی جامعه می باشد، طراحی و اجرای برنامه‌های جامع بلندمدت، میان مدت و هم زمان با آن کوتاه مدت در جهت

ایجاد فرصت‌های شغلی و اشتغال‌زایی ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به اینکه اشتغال پایدار مستلزم سرمایه‌گذاری بنیادین در امور زیربنایی و هدایت سرمایه‌های موجود در دست اشخاص و بخش خصوصی می‌باشد، لذا دخالت دولت الزامی است. در همین ارتباط راهکار ذیل پیشنهاد می‌شود:

شناسایی منابع، امکانات و پتانسیل‌های موجود در استان، بخصوص منابع انسانی. شایان ذکر است که بسیاری از نیروهای متخصص و کارآمد که تعلق خاطری به این منطقه دارند (بومی و غیر بومی) در خارج از استان و یا خارج از کشور ساکن هستند و تاکنون اقدامی در جهت شناسایی این افراد صورت نگرفته است. ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی از مشخصات این افراد و برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی جهت جذب و به‌کارگیری آنها در استان می‌تواند نقش مؤثری در بهبود ساختار نیروی انسانی متخصص استان و رفع بسیاری از مسایل و معضلات اقتصادی - اجتماعی موجود داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ۱- بختیاری، صادق و همکاران (۱۳۸۰): «تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در استان اصفهان». مجله برنامه و بودجه. شماره‌ی ۶۹ و ۷۰.
- ۲- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۷۷): «اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها، کاربرد شاخص سن در ایران». فصلنامه‌ی پژوهش‌های بازرگانی. شماره ۸.
- ۳- رشیدی، علی (۱۳۷۵): «فقر و راه‌های مبارزه با آن». ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال یازدهم شماره سوم و چهارم.
- ۴- تحیری، رضا (۱۳۷۶): «آزمون فرضیه رابطه رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد کوزنتس در اقتصاد ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.
- ۵- صدر، محمدباقر (۱۳۷۰): «اقتصاد ما». مجله برنامه و بودجه. ویژه‌نامه‌ی فقرزدایی. شماره‌ی ۲. سال اول.
- ۶- صمدی، علی حسین (۱۳۸۱): «شناسایی مهم‌ترین منابع افزایش دهنده‌ی نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران: تجزیه ضریب جینی (۱۳۷۵، ۱۳۷۰)». مجله برنامه و بودجه. شماره ۷۴.
- ۷- لیارد، پی آر جی. ۱۱. والترز (۱۳۷۷): «تئوری اقتصاد خرد». ترجمه‌ی عباس شاکری. نشر نی.
- ۸- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۷۶.
- ۹- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۷۷.
- ۱۰- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۷۸.
- ۱۱- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۷۹.
- ۱۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۸۰.
- ۱۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). سالنامه‌ی آماری کشور سال ۱۳۸۱.
- ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان سال ۱۳۷۶.
- ۱۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان سال ۱۳۷۷.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان سال ۱۳۷۸.
- ۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان سال ۱۳۷۹.
- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان سال ۱۳۸۰.
- ۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۶.
- ۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۷.
- ۲۱- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۸.
- ۲۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۹.

- ۲۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۸۰.
- ۲۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۶.
- ۲۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۷.
- ۲۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۸.
- ۲۷- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۹.
- ۲۸- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۸۰.
- ۲۹- همایی‌ابیان، محمدرضا (۱۳۸۵): «بررسی وضعیت توزیع درآمد در استان تهران». مجله برنامه و بودجه شماره ۱۲.

- 30- Atkinson , A. B (1970) on the Measurement of Inequality. *Economic Theory*, vol. 2.
- 31- Barrera -Flores, Jose G (1982) *Economic Aspects of Regional welfare*. Leaden: Martinus Nijhoff , Social Sciences Division.
- 32- Champernowne, D. G (1974) *A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution*. *The Economic Journal*. Vol. 84.
- 33- Johansen, F (1993) *Poverty Reduction in East Asia*. World Bank Discussion Paper.
- 34- Lambert, P. and R. Aronson (1993) *Inequality Decomposition Analysis and the Gini Coefficient Revisited*. *Economic Journal*. 103.